

چالش‌های تاریخ‌نگاری وارونه؛

نقدی بر مکتب تاریخ‌نگاری قفقاز

پژوهی و تألیف:

حسین (سالار) سب‌الدینی

ترجمه:

انتشارات تمدن ایرانی

سرشناسنامه : سیف‌الدینی، حسین، ۱۳۶۳ -
 عنوان و نام پدیدآور : چالش‌های تاریخ‌نگاری وارونه؛ نقدی بر مکتب تاریخ‌نگاری قفقاز / پژوهش و تألیف حسین (سالار) سیف‌الدینی؛ ترجمه انتشارات تمدن ایرانی.
 مشخصات نشر : تهران: تمدن ایرانی، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۴۵، [۴۴] ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۵۹-۴۰-۵ : ۴۴۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : فارسی - ترکی آذربایجانی.
 یادداشت : ص.ع. به ترکی آذربایجانی:
 Salar Seyfuddini. Qafqaz tarixçilik məktəbinə tənqidi yanaşma Uydurma tarix yazmağın problemləri

یادداشت : کتابنامه: ص ۴۴-۴۵.
 وان دیگر : نقدی بر مکتب تاریخ‌نگاری قفقاز.
 موضوع : آذربایجان (جمهوری) — تاریخ‌نویسی
 پایه افزوده : مؤسسه مطالعات ملی، انتشارات تمدن ایرانی
 رده‌بندی کنگ : ۱۳۹ ج ۹ س / ۶۹۴/۶ DK
 رده‌بندی دی‌ی : ۹۴۷/۰
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۰۰۲۲



چالش‌های تاریخ‌نگاری وارونه؛

نقدی بر مکتب تاریخ‌نگاری قفقاز

نویسنده : حسین (سالار) سیف‌الدینی
 حروفچین : محمود قره‌داغل
 طراح جلد : امیر پورهادی
 ناشر : انتشارات تمدن ایرانی
 لیتوگرافی و چاپ : کسری
 نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۴
 شمارگان : ۵۰۰ نسخه
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۵۹-۴۰-۵
 قیمت : ۴۴۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان شهیدای ژاندارمری، پلاک ۴۳
 تلفکس: ۶۶۴۱۵۴۸۸ - ۶۶۴۱۵۴۶۷
 ص پ: ۹۱۹-۱۳۱۴۵

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه ناشر	۴
پیشگفتار	۵
چارچوب مفهومی	۸
اصول و گزاره‌های تاریخ‌نمایی وارو	۹
آران یا آذربایجان؛ از بی‌نامی تا نامی	۱۲
برداشت رسول‌زاده از کلمه آذربایجان؛ قومی است نه جغرافیایی	۱۳
پرهیز از تعمیم جمهوری مستعجل به جنوب ارمنستان	۱۴
تأکید بر پیوندهای فرهنگی ایران و آذری‌های قفقاز	۱۵
بابک خرم‌دین، اسطوره‌سازی قومی	۱۷
ماهیت فرامنطقه‌ای جنبش بابک	۱۹
سرداران و غلامان ترک در سپاه خلیفه و افشین	۲۲
صفویان در چرخه وارونه‌نگاری	۲۵
فاروق سومر و تحریف هویت صفویه	۳۵
نتیجه‌گیری	۴۲
منابع و مآخذ	۴۴
کتاب	۴۴
مقالات	۴۵

به نام خدا

مقدمه ناشر

هویت ملی یکی از موضوعات محوری و به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و مسأله‌ای حیاتی همواره پیش‌روی همه نظام‌های سیاسی قرار دارد. اهمیت این مسأله هنگامی فزونی می‌گیرد که در کشور ما، مسایلی همچون زبان، محلی و قوم‌گرایی و... متأثر از عوامل تشدید کننده خارجی، سوء تدبیرهای احتمالی و نگرش‌های نخبگان افراطی همواره امکان فعال شدن دارند.

به علاوه، جامعه ما در شرایط کنونی حاکم بر جهان و منطقه در معرض مجموعه‌ای از بازیگران و نیروهای تأثیرگذار درون‌ساختی و برون‌ساختی خرد و کلان قرار گرفته است. هر چند این وضعیت خود «معلول» و «بیمه» است، اما در عین حال در یک فرآیند بازخوردانی خود به عنوان عامل بروز شکاف‌های اجتماعی - فرهنگی محسوب شده و می‌تواند موجب تشدید چالش‌های هویتی فرهنگی گردد. بنابراین یکی از مهم‌ترین دلمشغولی‌ها و مسایل ملی و راهبردی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. اگر خطوط هویتی موجود در جامعه با تدبیر و اتخاذ سیاست‌های همگرایانه پاسخی نیابد، هر آن امکان تبدیل آنها به چالش‌های سازش‌ناپذیر خواهد داشت.

با این دغدغه، کتاب حاضر به مطالعه و بررسی اجمالی در سبک جدید تاریخ‌نگاری جمهوری آذربایجان پرداخته که علاقه‌مندان به شکن هدفمند و مستمر حوزه مشترک تاریخی و یادمان‌های ایرانی را به سود خود مصدوره کرده و در سبک تاریخ‌نگاری و کشورداری پرسابقه به خزانه تمدنی ایران دستبرد زنند. بدیهی است این رفتار پیامدهای هویتی را در داخل کشور دنبال می‌کند. هدف این پژوهش نه نقد تاریخی صرف (که وظیفه مورخان است) بلکه استفاده از دانش بین رشته‌ای مطالعات هویتی جهت پیش‌بینی آماج و اهداف تاریخ‌نگاری قوم‌مدارانه در آن سوی ارس است. این شیوه از تاریخ‌نگاری به‌طور مشخص و نظام‌یافته درصدد حذف موجودیت سیاسی برخی از مناطق ایران از تاریخ منطقه است و اتفاقاً در سطوح حکومتی جمهوری آذربایجان نیز انجام می‌پذیرد. این تئوریک‌پوی ضمن آن که نشانگر اصل «حسن نیت» نیست، آماج ضد ایرانی را نیز در دستور کار دارد.

از آنجایی که مردم آذربایجانی در شمال ارس به دلیل تغییرات گسترده خط و الفبا دچار گسست فرهنگی و تاریخی شده‌اند، القای تحریفات تاریخی از سوی تاریخ‌سازان ایرانی، امری ضروری می‌پذیرد. به همین منظور و جهت استفاده این گروه از مخاطبان، انتشار تحقیقاتی از این دست به خط و زبان فعلی آنان و انتقال حقایق تاریخی به مردم مظلوم جمهوری آذربایجان ضروری به نظر می‌رسد زیرا آنان نیز به نوبه خود قربانی این دست از تحریفات هستند.

نکته پایانی این که کتابی که پیش‌رو دارید به دو زبان فارسی و ترکی قفقازی (لاتین) تنظیم شده است و مؤسسه مطالعات ملی امیدوار است در آینده تحقیقات بیشتری در خصوص پیامدهای تحریفات هدفدار تاریخی صورت بگیرد.

لازم است از جناب آقای رسول فخیم که ترجمه این اثر را به زبان ترکی قفقازی برعهده گرفتند سپاسگذاری کنیم.

پیشگفتار

بیش از دو دهه است که مسأله تحریف تاریخ در قفقاز و فهم متفاوت آن توجه بخش‌هایی از جامعه ایرانی را معطوف به خود کرده است. این مسأله از وقتی وجهه بین‌المللی یافته و در عرصه‌هایی مانند یونسکو و دیگر سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده، ظهور بیشتری پیدا کرده است. اما حقیقت این است که این روش از تاریخ‌نویسی، ریشه در تاریخ دهه‌های گذشته به‌ویژه دهه چهل میلادی دارد. مقاله حاضر از طریق مطالعه برخی آثار برجسته و پذیرفته‌شده تاریخی در جمهوری آذربایجان، می‌کوشد با مقایسه آنها با منابع دست‌اول تاریخی به این پرسش پاسخ دهد که درک متضاد از یک تاریخ مشترک از کجا نشأت می‌گیرد؟ و با چه اهدافی صورت می‌پذیرد؟ نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که منشأ درک متفاوت و متناقض از وقایع تاریخی، بازنویسی و تحریف وقایع تاریخی است که با هدف بینش سیاسی مشترک برای ملت‌سازی انجام می‌گیرد. در این میان، تغییر الفبا از فارسی به کریل و سپس از کریل به لاتین عامل قطع ارتباط مردم با گذشته خود است که به دنبال آن بسترها و فرصت‌های لازم برای دستگاه وارونه‌نگاری تاریخ فراهم می‌شود.

نزدیک به سه دهه است که غرب آسیا در معرض خیزش گفتارهای برآمده از قومیت^۱ قرار دارد که متضمن برتری‌جویی و زیاده‌خواهی براساس آمال بلندمدت جغرافیایی و سیاسی است. به دست آوردن موقعیت استراتژیک بهتر و دسترسی آسان‌تر به منابع انرژی از جمله اهدافی است که با پرده‌ای از هیجان‌های قومی پوشانده می‌شوند. با فروپاشی شوروی و انفجار اطلاعات که روند جهانی‌سازی را سرعت بخشید، گفتارهای قومی از انزوای درآمدند و قادر به تشکیل دولت‌های مستقل یا نیمه‌رسمی در منطقه شدند. جنگ خلیج فارس و

فروپاشی عراق در عمل بخشی از وضعیت آنارشیک بود که در منطقه ظهور پیدا کرد. پان‌ترکیسم، پان‌آدریسم و از همه مهم‌تر پان‌کردیسم مجال تازه‌ای برای تبیین و عرض‌انداز پیدا کردند. کشور ایران در جوار این تهدیدهای خطرناک که قابلیت ائتلاف با دیگر تهدیدهای ملی را دارند، قرار گرفته است. مرزهای غرب و شمال غرب ایران آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به دیگر مناطق دارد. این مرزها با سه کشور خارجی (کردستان عراق، ترکیه و جمهوری آذربایجان) همسایه‌اند که هر سه آنها، هم محل تولید افکار قومی و هم کانون اصلی کشمکش‌های نژادی هستند. طبیعی است که این مناطق به تدریج از کشمکش‌های قومی همسایه تأثیر پذیرفته و بستر مناسب برای القای بحران به درون خاک ایران فراهم می‌شود.

آنچه را این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، تحریف متون تاریخی در قفقاز براساس سیاست‌های ضد ایرانی، تضام‌طلبانه سیاست‌مداران در مسکو و باکو است. این تجربه تاریخی تلخ، سابقه‌ای نزدیک به هفت دهه دارد و می‌تواند تا عصر میرجعفر باقرواف، دبیر اول حزب کمونیست جامعه‌ی سوسیالیستی شوروی، بررسی شود.

پس از فروپاشی شوروی، آنچه در ره‌ران جمهوری آذربایجان تغییر نکرد، سیاست‌های ملت‌سازانه آنها، ولی این بار منهل سوسیالیسم بود. سیستم اداری و دوایر دولتی این کشور از طریق تألیف کتاب‌های درسی تاریخ مانند «آتابوردو» در مقطع پایانی ابتدایی، «آذربایجان تاریخی» در مقطع ۱۱ تحصیلی و کتاب دیگری با همین نام در سطح دانشگاه به تحریف سیستماتیک تاریخ و پرورش نسلی جدید اقدام کردند که از ایران «طلب» دارند. اهمیت کار زمانی مشخص خواهد شد که توجه داشته باشیم درس تاریخ در کل مقاطع متوسطه تحصیلی در این جمهوری نوپا، هفته‌ای ۲۱ ساعت و سالانه ۷۳۱ ساعت تدریس می‌شود (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۱۹۷). علاوه بر کتاب‌های درسی، کتاب‌های پایه علوم انسانی مانند دایره‌المعارف‌ها و کتاب‌های مرجع نیز با همین رویکرد تهیه و توزیع شده‌اند که مورد توجه برخی از پژوهشگران ایرانی از جمله حسین احمدی^۱ و بهرام امیراحمدیان نیز قرار گرفته است (امیراحمدیان، ۱۳۸۴).

۱. نگاه کنید به: احمدی، حسین (۱۳۹۰) بررسی کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان با تأکید بر کتاب‌های

تاریخی، فصلنامه مطالعات ملی، س ۱۲، ش ۲.

کتاب «الهام، سیمای یک رئیس‌جمهور»^۱ که از سوی سفارت جمهوری آذربایجان در ایران به زبان فارسی و در ۵۱۲ صفحه کاغذ نفیس گلاسه منتشر شده است، از جمله آثار و کتاب‌هایی است که ممکن است دستگاه دیپلماسی هر کشوری در چارچوب دیپلماسی عمومی و شناساندن بیشتر کشور به سایر جوامع (تبلیغات مثبت) منتشر کند. این کتاب آن گونه که از توضیح نخست آن برمی‌آید، به شرح حال «الهام علی‌اف» رئیس‌جمهوری آذربایجان و تلاش‌های او در راه صلح و دورنمای او برای آینده در ۳۶ فصل پرداخته است.

این کتاب فاقد هر گونه شناسنامه و شماره ثبت یا فیفا در ایران یا هر کشور دیگری است و حتی تاریخ انتشار آن نیز ذکر نشده است. تنها عبارت روشنگر آن در صفحه نخست مربوط به انتشار از سوی سفارت جمهوری آذربایجان در جمهوری اسلامی ایران است. نویسنده کتاب «گرائم ایلسون»^۲ است که قبلاً نیز کتابی مشابه به نام حیدر از وی منتشر شده است. فصل‌های نخست کتاب، در واقع درآمدی بر تاریخ منطقه قفقاز جنوبی به عنوان واحدی سیاسی است که پس از ریپاشی شوروی به نام جمهوری آذربایجان ظهور کرد. در فصل نخست تلاش می‌شود تاریخ مطلقه از دوره باستان تا به امروز به صورت فشرده در ۵۰ منطقه روایت شود. بخش‌های دیگر کتاب همواره به مباحثی درباره تاریخ معاصر، سرنوشت منطقه قفقاز در دوران شوروی، و ریپاشی شوروی، تکیا پو برای استقلال، جنگ قره‌باغ و پیشرفت‌های جدید این جمهوری می‌پردازد. زندگی و دوره ریاست جمهوری الهام علی‌اف بخش غالب کتاب و نیمه دوم آن را شامل می‌گیرد.

ادعاهای بیان نادرست تاریخ قفقاز و استفاده از آن در این کتاب، که توسط وزارت خارجه جمهوری آذربایجان تهیه و منتشر شده است، هنگامی که در تارض با تاریخ مسلم و منافع کشور ما قرار می‌گیرد، این حق را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند که خواهان اصلاح و بازنگری در کتاب شود. علاوه بر این کتاب تکیا پوهای دیگری نیز از طریق مجاری رسمی و نیمه رسمی همسایه شمالی صورت می‌گیرد که مستقیماً تاریخ و فرهنگ ایران را هدف داده است. روشی که پژوهشگران «تاریخ‌نگاری وارونه» می‌نامند (بیات، ۱۳۷۹: ۲۰).

مردم جمهوری آذربایجان با مشکل ساختاری دیگری نیز در فرهنگ و تاریخ خود روبرو هستند. تغییر مکرر القبا در این کشور ضربه مهلکی بر آگاهی تاریخی این مردم وارد

کرده است. تغییر خط نوشتاری از فارشس - عربی به الفبای روسی (کریل) در دوران شوروی و پس از فروپاشی تبدیل الفبای کریل به الفبای لاتین، سبب گسست چندین نسل از گذشته خود شد. با این وصف، امروزه مردم جمهوری آذربایجان نه تنها توان مطالعه تاریخ گذشته و دست‌اول خود را ندارند؛ بلکه حتی قادر به مطالعه کتاب‌هایی که طی ۳ دهه گذشته در کشورشان به چاپ رسیده است، نیز نیستند. چنین شرایطی دست «تاریخ‌نگاری وارونه» را تا اندازه زیادی باز می‌گذارد که بدون توجه به منابع دست‌اول به تاریخ‌نگاری سیاسی دست بزنند. به‌رغم همه ادعاهای این شیوه از تاریخ‌نگاری در خصوص دو پاره شدن آذربایجان بزرگ از سوی دولت‌های خارجی، متن معاهده گلستان در دوره تزاری و شوروی مکتوم ماند و هرگز به خط و زبان ترکی قفقازی ترجمه و منتشر نشد. متن این معاهده پس از گذشت بیش از ۱۸۰ سال در سال ۱۹۹۶ هنگامی که پروسه تحریف تاریخ و تحکیم تاریخ جدید به‌حق شده بود، در باکو ترجمه و منتشر شد. این پژوهش سعی دارد از طریق نقد بررسی آثار عمده که عمدتاً در جمهوری باکو به چاپ رسیده‌اند، به نقد و بررسی ادعاهای سیاسی - تاریخی، جریان پان‌ترکیسم - پان‌آذربیسیم بپردازد. روش تحقیق پژوهش حاضر تاریخی است و از شیوه تحلیلی استفاده می‌کند. شیوه گردآوری اطلاعات در این تحقیق، روش کتابخانه‌ای است.

چارچوب مفهومی

نظریه پردازان حوزه ملت‌سازی بر این باورند که جوامع در مرحله ملت‌سازی^۱ یا بازسازی ملت^۲، به بازخوانی تاریخ و گذشته خود دست‌زده و با حذف یا دست‌پوشانی کردن برخی روایت‌ها و مقاطع تاریخی سعی می‌کنند خمیره مایه‌ای کمابیش دلخواه از گذشته، جامعه و مردم، به‌عنوان تاریخ ملی ارائه دهند. این تلاش‌ها معمولاً در دو سطح عمودی و افقی یعنی: دولت و نهنگان صورت می‌گیرد. نهنگان و دولتمردان جمهوری آذربایجان از دوران شوروی تا امروز تلاش‌های بسیاری برای تدوین چنین تاریخی که با «ملت‌سازی» میراث‌های مشترک فرهنگی و تاریخی منطقه همراه بوده است، انجام داده‌اند. این گونه از